فرهنگ قرآنى

مطالب اين بخش حاوى پاسخ به چهار پرسش قرآنى است كه از ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

فلسفه روزه چيست؟

همان طور كه مى‏دانيد، انسان علاوه بر جنبه مادى و جسمى، داراى جنبه معنوى و روحى هم هست و هر يك از آن‏ها در رسيدن به كمال مطلوب خود، برنامه‏هاى خاصى احتياج دارند. يكى از برنامه‏هايى كه جنبه معنوى دارد، تقوا و پرهيزگارى است. به اين معنا كه اگر انسان بخواهد خودش را از جنبه معنوى ارتقاء دهد و به عالم طهارت و رفعت متصل كند، اولين چيزى كه بايد بدان ملتزم بشود، جلوگيرى از افسار گسيختگى خود است. او نبايد خود را سرگرم لذت‏هاى جسمى و شهوات بدنى كند، بايد خود را بزرگتر از آن بداند كه زندگى مادّى را هدف بپندارد. بهترين، نزديك‏ترين، مؤثرترين و عمومى‏ترين راهى كه افراد را در اين امر (تقوا) مى‏تواند كمك كند، روزه است كه با پرهيز از خوردن، آشاميدن و شهوت جنسى، علاوه بر اين كه نيروى خويشتن دارى از گناهان در آنان قوت مى‏گيرد، به تدريج بر اراده خود مسلط مى‏شوند و در برابر هر گناهى عنان اختيار را از كف نمى‏دهند.

«يا أيُّها الَّذين ءَامَنوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقون»؛(1) اى افرادى كه ايمان آورده‏ايد! روزه بر شما نوشته شد؛ همان گونه كه پيشينيان از شما نوشته شده تا پرهيزگار شويد.(2)

روزه، علاوه بر فايده معنوى (تقوا)، فايده‏هاى ديگرى هم دارد:

الف - اثر اجتماعى روزه: روزه، درس مساوات و برابرى در ميان افراد اجتماع است. با انجام اين دستور مذهبى، افراد متمكن، وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمى‏يابند، و اين باعث مى‏شود كه به كمك محرومان بشتابند. امام صادق (عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «روزه به اين دليل واجب شد كه ميان فقير و غنى مساوات برقرار گردد، و اين بدان جهت است كه غنى، طعم گرسنگى را بچشد و نسبت به فقير اداى حق كند؛ چرا كه اغنيا معمولاً هر چه را بخواهند، براى آن‏ها فراهم است. خدا مى‏خواهد ميان بندگان خود مساوات باشد، و طعم گرسنگى و درد و رنج را به اغنيا بچشاند تا به ضعيفان و گرسنگان رحم كنند».

ب) اثر بهداشتى و درمانى: عامل بسيارى از بيمارى‏ها، زياده روى در خوردن غذاهاى مختلف است؛ چون مواد اضافى جذب نشده به صورت چربى‏هاى مزاحم در نقاط مختلف بدن، يا به صورت چربى و قند اضافى در خون باقى مى‏ماند. اين مواد لجنزارهاى متعفنى براى پرورش انواع ميكروب‏هاى عفونى است، و در اين حال، بهترين راه براى مبارزه با اين بيمارى‏ها، نابود كردن اين لجنزارها از طريق روزه است. پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «معده خانه تمام دردها و امساك (روزه) بالاترين داروهاست.»(3)

علت اين كه ماه رمضان براى روزه گرفتن انتخاب شده، اين است كه اين ماه بر ساير ماه‏ها برترى دارد. در اين ماه، «قرآن» كتاب هدايت و راهنماى بشر كه «فرقان» است و با دستورها و قوانين خود روش‏هاى صحيح را از ناصحيح جدا كرده و سعادت انسان‏ها را تضمين نموده، نازل گرديده است و در اين ماه، شب قدر قرار دارد كه بهترين شب سال است و مقدّرات انسان در آن مشخص مى‏شود؛ «شَهرُ رَمضان الّذى أُنزل فيه القرآنُ هدىً لِلنّاسِ و بَيِّنات من الهدى‏ و الفُرقانِ...»(4) در روايات اسلامى نيز چنين آمده است كه همه كتاب‏هاى بزرگ آسمانى در اين ماه نازل شده‏اند؛ به اين ترتيب، ماه رمضان كه همواره ماه نزول كتاب‏هاى بزرگ آسمانى و ماه تعليم و تربيت بوده، بر ماه‏هاى ديگر برترى محسوسى دارد.(5)

آداب تلاوت قرآن در كلام معصومين چيست؟

پيامبر گرامى اسلام (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «خانه‏هاى خود را با تلاوت قرآن نورانى كنيد».(6)

قرائت قرآن، آدابى دارد كه به برخى از آن‏ها اشاره مى‏شود:

الف) مسواك زدن كه پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) بر آن دستور داده است؛(7)

ب) وضو و طهارت داشتن هنگام تلاوت قرآن؛(8)

ج) پناه بردن به خداوند پيش از قرائت قرآن: خداوند در آيه 98 سوره نحل مى‏فرمايد: «وقتى قرآن مى‏خوانى، از (شرّ) شيطان رانده شده، به خداوند پناه ببر»؛

د) قرائت از روى قرآن: پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «قرائت قرآن از روى مصحف، بهترين اعمال امّت من است»؛(9)

ه) قرائت قرآن با صداى خوش: خاتم پيامبران (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «هر چيزى زيورى دارد و زيور قرآن، صورت نيكو است»؛(10)

و) قرائت قرآن همراه با خشوع: خداوند در آيه 16 سوره حديد مى‏فرمايد: «آيا وقت آن نرسيده است كه دل‏هاى مؤمنان در برابر ذكر خدا و آن چه از حق نازل شده، خاشع گردد؟»؛

ز) قرائت همراه با حزن و با حالت اندوه: پيامبر خدا (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «به راستى قرآن همراه با حزن نازل شده است. بنابراين، هنگامى كه قرآن مى‏خوانيد، گريه كنيد و اگر گريه نكرديد، حالت گريه به خود بگيريد»؛(11)

ح) تلاوت قرآن همراه با ترتيل: در آيه 4 سوره مزمل آمده است: «وَ رَتِّلِ القُرءَان تَرتيلاً»؛ قرآن را با دقّت و تأنّى بخوان؛

ط) قارى قرآن تنها به خواندن الفاظ، بدون توجه به معانى آن، اكتفا نكند؛ بلكه همراه با قرائت آن، در معانى قرآن انديشه كند، و از آياتش پند گيرد؛ چنان كه اميرمؤمنان على (عليه‏السلام) در وصف پرهيزكاران مى‏فرمايد: آنان در شب به پا خاسته و قرآن را شمرده و با تدبّر تلاوت مى‏كنند. جان خويش را با آن محزون مى‏سازند و دواى درد خود را از آن مى‏گيرند. هر گاه به آيه‏اى مى‏رسند كه در آن تشويق باشد، با علاقه و اميد به آن روى مى‏آورند و روح و جانشان با شوق بسيار در آن خيره مى‏شود و آن را همواره «نصب العين» خود مى‏سازند، و هر گاه به آيه‏اى برخورد كنند كه در آن بيم باشد، گوش‏هاى دل خود را براى شنيدن آن باز مى‏كنند و صداهاى ناله و برخورد زبانه‏هاى آتش در گوششان طنين‏انداز است.(12)

لطفاً فايده‏هاى قرائت قرآن را بنويسيد؟

در ميان كلمات گهربار پيشوايان معصوم (عليهم‏السلام)، فوايد بسيارى را براى قرائت قرآن مى‏توان يافت كه بخشى از آن‏ها چنين است:

1- پاداش عظيم خداوند، به قرائت كننده قرآن: پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «هر كس براى رضاى خدا و آگاهى عميق در دين، قرآن بخواند، ثواب ملائكه و انبياء و رسولان را خواهد داشت.»(13)

2- بالا رفتن مقام و درجه قارى در بهشت: حفص گويد: از امام كاظم (عليه‏السلام) شنيدم كه مى‏فرمود: درجات بهشت به اندازه آيات قرآن است. به قارى گفته مى‏شود: بخوان و (در مراتب بهشت) بالا برو. سپس مى‏خواند و مقامش بالا مى‏رود.(14)

3- روشنايى چشمان و طولانى شدن عمر بينايى: امام صادق (عليه‏السلام) فرمود: هر كس قرآن را از رو (با نگريستن بر آيات) بخواند، از بينايى‏اش براى مدتى طولانى لذت خواهد برد.(15)

4- آميخته شدن قرآن با گوشت و خون قارى: امام صادق (عليه‏السلام) فرمود: هر جوان مؤمنى كه قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونش آميخته خواهد شد.(16)

5- صفاى دل: پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: بدون شك اين دل‏ها زنگار مى‏گيرند؛ همچنان كه آهن زنگ مى‏زند. عرض شد: صيقل آن به چيست؟ فرمود: قرائت قرآن.

6- استجابت دعا: امام باقر (عليه‏السلام) فرمود: دعا را هنگام چهار چيز غنيمت بشماريد؛ قرائت قرآن و...(17).

7- نورانى شدن خانه: پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «خانه‏هايتان را با تلاوت قرآن نورانى كنيد...»(18)

8- زياد شدن بركت خانه: امام صادق (عليه‏السلام) از امير مؤمنان على (عليه‏السلام) چنين نقل مى‏كند: «خانه‏اى كه در آن قرآن تلاوت و يادى از خدا شود، بركتش زياد شده، ملائكه در آن جا حاضر مى‏شوند و شياطين را دور مى‏كنند...»(19)

9- بهترين عبادت: پيامبر(صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: بهترين عبادتِ امتِ من، تلاوت قرآن است(20).

10- بخشش گناهان: نوشته شدن حسنه و پاك شدن گناهان.(21)

11- تخفيف عذاب از پدر و مادر.(22)

12- بارورى ايمان.(23)

13- سخن گفتن با خداوند.

14- علم اولين و آخرين به او عنايت مى‏شود.

نزول يكباره قرآن، در ليلة القدر، بر پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) چگونه بوده است؟

بنابر نظر و عقيده بسيارى از دانشمندان، قرآن دوبار نازل شده است؛ يكبار به طور دفعى در شب قدر و بار ديگر، به صورت تدريجى و در مدت بيست و سه سال. درباره چگونگى نزول دفعى قرآن چند نظريه وجود دارد.

برخى بر اساس ظاهر احاديث و روايات معتقدند: قرآن در شب قدر به «بيت المعمور» در آسمان چهارم (به نظر شيعه)، و يا به «بيت‏العزّة» در آسمان دنيا (به عقيده اهل تسنن)، يك دفعه نازل شده و سپس، در مدت بيست و سه سال، به تدريج فرود آمده است.

عده‏اى نيز بر اين باورند كه: قرآن در شب قدر به صورت دفعى بر قلب پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرود آمده است.اما علامه طباطبايى (ره)، قرآن را داراى دو وجود مى‏داند: يكى ظاهرى در قالب الفاظ وعبارات و ديگرى وجود و حقيقتى واحد و باطنى كه عارى از تجزيه و تفصيل است. طبق نظر ايشان قرآن در شب قدر، با وجود باطنى و اصلى خود، كه داراى حقيقت واحدى است، يك جا بر قلب پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرود آمد. سپس به تدريج، با وجود تفصيلى و ظاهر، خود در فاصله‏هاى زمانى و در مناسبت‏هاى مختلف و پيشامدهاى گوناگون، در مدت 23 سال، نازل گرديد.(24)

پى‏نوشت‏ها:

1) بقره، 183.

2) علامه طباطبايى (ره)، تفسير الميزان، ج 2، ص 8.

3) آيت‏الله مكارم شيرازى و ديگران، تفسير نمونه، ج 1، ص 631.

4) بقره، 185.

5) تفسير نمونه، ص 634.

6) محمد بن يعقوب كلينى‏كافى، ج 2، ص 574، باب 461، حديث 1.

7) بحارالانوار، ج 89، ص 213.

8) ر.ك: همان، ص 210، حديث‏2.

9) همان، ص 202.

10) كافى، ج 2، ص 615.

11) جامع الأخبار، ص 57 و بحارالأنوار، ج 92، ص 210و 216.

12) نهج البلاغه، خطبه 193.

13) حر عاملى، وسائل الشيعه، ج 6، ص 184.

14) همان، ص 187.

15) بحارالانوار، ج 89، ص 202.

16) كافى، ج 2، ص 568.

17) همان، ص 448.

18) بحارالانوار، ج 89، ص 200.

19) كافى، همان، ص 575.

20) وسائل الشيعه، همان، ص 168.

21) كافى، همان، ص 575 و 584.

22) همان، ص 578.

23) آمُدى، غرر الحكم، ص 112.

24) ر.ك: آيت‏الله معرفت، تاريخ قرآن، ص 43و42؛ الميزان، ج 2، ص 16و15.